



نوشته: دکتر عقیف بهنسی ✨ ✨
از مجله العربی ✨ ✨ ✨

کشف کشور ابلا

وتلاش صهیونیسیم برای بهره برداری از آن

در بسیاری از مناطق سوریه ، پس از حفريات ، آثاری مهم کشف شده و اطلاعاتی تاریخی و هنری و مدنی در دسترس ما گذاشته است که شناخت ما را با تاریخ انسانیت می افزاید . اهمیت این منطقه عربی «از فرات تا نیل» خصوصاً سوریه ، چنانست که شواهدی از تمدن بشری بمعارضه میدارد که متعلق بعهد دور دستی است که جهان در آن دوره در تاریکی ماقبل تاریخ فرورفته بود. امروزه ، این منطقه ، بعلت تنوع و فراوانی آثار مکشوفه که باقی مانده ای از دوره های کلاسیکی تا دوره بیزانسی و اسلامی است ، قبله باستان شناسان و دانشمندان شده است . نتایج حفریاتی که بوسیله هیئت ایتالیائی بریاست آقای پاولوماتیه استاد دانشگاه رم انجام شد چنان درخشان بود که همه گروه های علمی و خبری جهان را متوجه خود ساخت . این کشف جدید معرف شهری مهم بنام ابلاست که بوسیله اجداد ما در سرزمین سوریه ایجاد شده بود. این شهر بزرگ باشهرهای بزرگ معاصر خود نظیر ماری والاخ و ارمان و اکد و آشور روابطی داشته است . در آن هنگام یعنی در خلال هزاره سوم (۲۲۵۰ - ۲۴۰۰ قبل از میلاد) که اکدو

✨ آقای علی محدث یکی از ترجمانان چهره دست معاصر

✨ ✨ مدیر کل آثار باستانی و موزه های سوریه

✨ ✨ ✨ مجله العربی چاپ کویت شماره ۲۲۶ - دسامبر ۱۹۷۷

ماری دوشهر بزرگ بود ، ابلا در میان آندو موقعیتی ممتاز داشت و اکنون از شهر عظیم اكدهيچ اثری بجانبيست .

كشفا بلاما واقعاى بسيار مهم است ، زيرا تمدنى رابما شناساند كه هرگز مورخان و باستان شناسان درباره آن خبرى نداشتند . اين كشف اخبار گذشته رابادقت فراوان از طريق هزاران نوشته اى در اختيار مامى نهد كه همه ساله و مرتب بچاى مانده بطورى كه قرائت آنها بسرعت ممكن است . اين نوشته ها از برخى پادشاهان معاصر **سرگون اونا رام سين** يا **حمورابى** بما اطلاعاتى ميدهد و وجود شهرهائى را كه از آن زمان تا كنون بر پاست مثل دمشق ، حمص ، حماة و جبيل و شهرهائى ديگر كه فقط آثارى از آنها باقى است تا ييد ميكنند . همچنين از روابط سياسى و تجارى ابلا با شهرهائى بزرگ مذكور و تسلط آن كشور در مدت زمانى بر آن نواحى اطلاعاتى در اختيار مامى نهد . اين نوشته ها تا ييد ميكنند كه زبان محاوره اجداد ما در حقيقت ريشه زبان عربى بوده است و اهالى اكد و ابلا و كنعان به لهجه هاى زباني واحد تكلم ميكرده اند ، و اختلاف بين لهجه هاى مذكور از اختلاف كنونى بين لهجه هاى ممالك عربى كمتر بوده است .

روبروشدن بامغالطه ها

روزنامه نگاران از مضامين اين نوشته ها كه عدد آنها از ۱۵ هزار افزون ميگردد بسرعت اطلاعاتى منتشر كردند . اين اطلاعات در بعضى موارد نادرست و در برخى موارد غير علمى است ، از اين رو تصميم گرفته شد :

۱ - عده اى بيشتراز كارشناسان جهانى ترجمه اين نوشته ها رابعه ده بگيرند تا بتوانيم بيشتريين تعداد ممكن از اين نوشته هاى فراوان را - كه انتظار ميرود عدد آنها بتدريج بيشتري شود - بخوانيم . چنين مصلحت دانسته شد كه ۵ تن از متخصصان بزرگ جهانى براى انجام اين مهم و تحت سرپرستى هيئت كنونى بكار دعوت شوند .

۲ - نشر يه دوره اى مخصوصى براى ابلا منتشر گردد تا نتايج تحقيقات اين گروه وهمه پژوهشهاى خاص به اين منطقه تاريخى را متضمن باشد . و باين ترتيب براى برخورد افكار و آراء در اين زمينه مجالى فراهم آوريم و راه گزافه گويى راببنديم وهمه اطلاعات مربوط را در مرجعى واحد گردآوريم كه مورد رجوع دانشمندان و متخصصان جهان باشد . برخى از روزنامه نگاران به ناچيز جلوه دادن اطلاعات اين كشف بزرگ پرداخته و برخى ديگر به تفسير مخالف حقيقت و تاريخ اقدام نموده اند .

مطلب غير قابل شك آنست كه در پشت گفته هاى ايشان يك نقشه صهيونى ، براى تعريف اهميت كشف مذكور ، بچشم ميخورد . در اينجا ما قسمتى از آنچه را نوشته اند بررسى کرده

و تحریفات مورد نظرایشان را بازمی‌نمائیم و تا آنجا که ممکن شود با دعا‌های غیر عملی ایشان پاسخ می‌گوئیم. در مقاله‌ای که در مجله تایم در تاریخ ۱۸/۱۰/۱۹۷۶ منتشر شده است نویسنده مقاله از زبان فریدمان، که مدعی عضویت در هیئت حفاری تل‌مردیخ است، می‌گوید:

«چنین برمی‌آید که معلومات مشترك با تورات متعدد است، چسب این نوشته‌ها داستان‌هایی از آفرینش و طوفان نوح را در برمی‌گیرد که تا حدی زیاد با مطالب تورات و ادبیات با بل شباهت دارد». مقصود فریدمان اینست که آنچه در تورات آمده توسط ابن نوشته‌ها تأیید شده است؛ ولی در اینجا موضوعی پیش می‌آید. بدین بیان که فریدمان می‌گوید: «در حقیقت هیچ‌کس تا کنون نتوانسته است حتی يك روز در عملیات کاوش آثار باستانی مذکور شرکت جوید، از بیم آنکه مبادا دولت سوریه معلومات توراتی را از اکتشافات حذف کند، و از کاوش بقیه آثار در آینده مانع شود».

وی باستان‌شناسان ایتالیائی را متهم می‌کند که اکتشافات خود را با کندی منتشر میکنند و نیز می‌گوید: «اما انجمن جهانی باستان‌شناسان و متخصصان پژوهش‌های توراتی مطالبی شنیده‌اند که همانها برایشان کافی است و آنها رامیان خود مبادله میکنند». مابیه پاسخی اکتفای کنیم که آقای ماتیه، رئیس هیئت باستان‌شناس، به این تفسیرها و افتراها داده است.

آقای ماتیه به رئیس هیئت تحریریه مجله چنین پاسخ گفته است:

۱ - آقای فریدمان بهیچ وجه عضو هیئت او نبوده است.

۲ - تفسیرهای او خالی از حقیقت است.

۳ - مقامات باستان‌شناسی سوریه همه گونه وسائل و تسهیلات را برای او فراهم کرده‌اند و بهیچ وجه با هیچ‌گونه تفسیری که احتمالاً وقایع مذکور در کتب مقدس را تأیید کند مخالفت بعمل نمی‌آورند.

می‌خواهم اضافه کنم که ما با هیئتهای باستان‌شناسی بعنوان هیئتهای علمی رفتار می‌کنیم چه کارها و اکتشافات ایشان اثری مهم در روشن ساختن تاریخ ما دارد که آغاز تاریخ انسانیت و جهان را تشکیل میدهد. این اکتشافات بدون هیچ‌گونه تفسیر یا بهره برداری و در محدوده علم و واقعیت نشر می‌یابد و ما با این هیئتها که تعدادشان در سوریه به ۳۵ گروه میرسد، برای کشف حقیقت، دوش بدوش همراهیم و نتایج آن را هر چه باشد قبول داریم. مابیه همه کتب مقدس، از جمله تورات، ایمان داریم و به دلیل آوردن نیازی نمی‌بینیم. اما به حقیقت علمی نیز ایمانی محکم داریم، و معتقدیم که آنچه کشف میشود حقیقتی قاطع است که باید با اخلاص و بی‌هیچ شائبه‌ای منتشر گردد. زیرا همه مردم و

نسلهای آینده ، که بزودی از عقده‌های نژادپرستی خواهند رست ، برای آن اهمیت قائلند
بازگشت و اعتراف - ما بزودی به انتشار این گنج خواهیم پرداخت و آن را ، پس از
تحقیق از طرف گروهی از کارشناسان بزرگ ، باروشی علمی و بطور مرتب ، منتشر خواهیم
نمود تا جهانیان بر اسرار تاریخ باستان که سرزمین ماعرصه و مخزن آن بوده و موجب افتخار
ماست آگهی یابند .

ماتورات را بعنوان يك كتاب دینی مقدس می‌نگریم و معتقدیم که باید ، بسا پیشرفت
فرهنگی روزگار ما که تاریخ گذشته بشریت را از لابلای کشفیات باستان‌شناسی روشن
می‌کند ، همگام باشد . در کتابی که اخیراً در هلدن منتشر شده مؤلف آن می‌گوید :
« دانشمند متخصص در آثار توراتی می‌تواند مقاصد آن کتاب را در طول دورانهای
تاریخی مذکور در آن توضیح دهد . مشروط بر آنکه وقایع مذکور در تورات بسا کشفیات
باستان‌شناسی همگام باشد اما اگر که با اکتشافات علمی تطبیق نداشته باشد برای استدلال
ماتنها معلومات کشف شده تاریخی دلیل مستند خواهد بود .»

مؤلف آن کتاب بسخنان خود چنین ادامه می‌دهد : « اما دانشمندان توراتی
بسایش داوریهای خود به تفسیر وقایع می‌پردازند . و این همان چیزی است که مادر
کتاب خود می‌خواهیم به ثبوت رسانیم . نویسنده کارهایی را که دانشمند هلندی **فروانکن** در دیر
علا (در اردن) انجام داده برای گفته خود به عنوان مثال ذکر می‌کند و می‌گوید که : « روش
علمی او با اسلوب باستان‌شناسان توراتی از اساس مخالف است .»

در اینجا بازگشت و اعتراف فریدمان را در مورد اهمیت این کشف از جنبه تاریخی
صرف باز می‌گوئیم . نویسنده همین مقاله در مجله نیوزویک از قول فریدمان می‌گوید :
« این نوشته‌ها تصویر تمدن کاملی را بمانشان می‌دهد که کشفیات ماری و اکد تلویحاً
در باره آن اشاره ای داشت . اما اکنون بر ما روشن شده است که این تمدن تمدنی نیرومند
وریشه دار بوده و با تمدن مصریان باستان و اهالی قدیم بین‌النهرین کوس برابر می‌زده است .
فریدمان در همان مقاله نیوزویک و از زبان نویسنده آن مقاله اعتراف می‌کند که این نوشته‌ها
امپراطوری پهناوری را توصیف کرده است ، زیرا در ابلا ، ۲۶۰ هزار تن مسی زیسته اند و
دامنه نفوذ آنان در محیط پیرامون خود از جنوب به سینا و از غرب به قبرس و از شرق به نواحی
شمالی بلاد بین‌النهرین رسیده بوده است ... در سال ۱۹۶۸ نگاره ای کشف شد و نوشته ای
بخط میخی بر آن نقش شده بود و نام « ایپلات - لیم » یعنی پادشاه ابلا را متضمن بود و این
اولین دلیل در مورد شناخت هویت این منطقه بود و نشان می‌داد که اینجا همان شهر ابلا

است که اسم آن در نوشته‌های اکدی آمده است . این نگاره ۳۶ سطر نوشته داشت .
وودورد و مالش در مجله نیوزویک مقاله‌ای تحت عنوان «کشور گمشده ۳» نوشته و
در آن چنین آورده است : این کشف باستان شناسی بزرگترین کشفی است که در فاصله
چندین نسل و چه بسا در طول چند قرن در زمینه کشفیات باستان شناسی شده است .
دنباله دارد

1— Ebla

2— Morshell E. Marlin: The Approval of Argument in Biblical Archeology.

3 — Lost Kingdom : News Week Nov 22, 1976.

بدوام ماهنامه مدد رسانید

در این شش سال که از عمر ماهنامه تحقیقی گوهر میگذرد ، چندین بار تذکار دادیم با وجود کومک ارزنده ماهانه بنیاد نیکوکاری نوریانی اگر مشترکان علاقمند حق اشتراک سالانه خود را نپردازند گرانی کاغذ و هزینه چاپ و صحافی در حدیست که ادامه انتشار را دشوار میسازد. با نامه تقاضا کردیم حق اشتراک ناچیز را برای سبفرستید عده‌ای بنامه و تقاضای ماجواب مثبت دادند ولی گروهی هنوز جواب نداده و دین خود را نپرداخته و ما را مجبور ساخته‌اند که مجدداً تذکار بدهیم با امید اینکه این بار بی جواب نمایم .